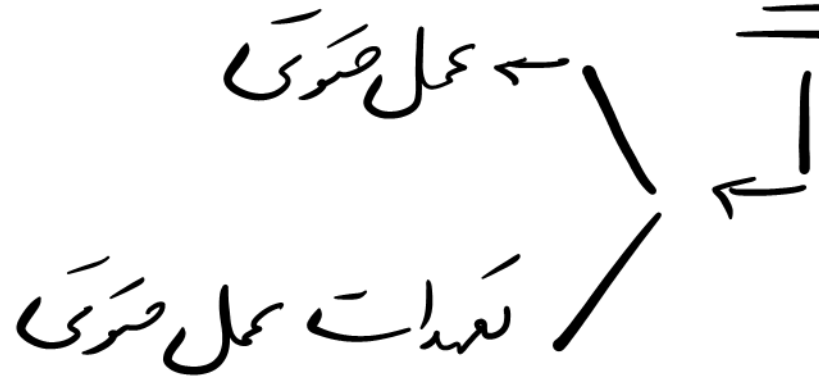


وکالت ← برای انجام امری تایب خودی کند



عمل صراطی یعنی تواند بر وضع عقد وکالت باشد

اجاره اشخاص

به صیال

وگالت

عقد جان اذن

هم اذن

هم سر حقه اذن

باید در طول
صیات عقد
سهم بیاوند

احلی

رضای

ایجاب

قبول

توقیف لازم نیست

کم در وگالت ، توانایی عرفی هم لازم نیست

تأزیه ای نه مرل به اذن خود بائیات ، دلیل ی گرداند اقدام نند.

وکالت عند جاری اذنی

وکالت، ضمن عند لازمی

شرط نُده باید.

نتیجہ

~~شرط منحل~~

اموراً قابل دفع

ممنوع دفع نند

اسقاط حق دفع

حزب عدوی

عزل دلیل

فقدان عزل دلیل

~~در فدیة نه~~

سنة
X
تاریخ عقد

دوبنه
X
عزل دلیل

↓
وکالت زائلی شود
منقل

اندامات دلیل در موضوع وکالت

لا تاقذ

وکالت طهارتی

جاریت

X
ضمیمه عزل به روی دلیل برسد

دکالت ← عده

اصلی

همه دلیل هم موثر

همان درجه از اصلی که برای انجام موضوع دکالت لازم است

← ادریالی
عقل بلوغ زرد

← عریالی
عقل بلوغ

درجہ

← محجرب نیست - از تصرف در اموال خود

← در امور مالی
نمی تواند نکات دهد
مشموع است
← سوال نمی شود باشد

← می تواند دلیل باشد.

در امور غیر مالی ← نمی تواند دلیل باشد هم هرگز

صغیر سخن و غرابت

میل مبرکی سبب

در امر مالی صرفاً نافع ←

همی تواند دلیل باشد هم هرگز

وکالت مرض یا عرضی

عرضی

در تمام اعتبار ^{صرد} (سیاب رادن) همه جای

بدن

هم عرضی (با اجرت) **اسل ریپارت**

ی براند

در تمام اجرا

جانی (بدون اجرت)

اجرت صدقہ

بلد اول سے اجرت الہمی

بلد دوم سے نقرہ، نزع نامہ (اجرت الہمی)

بلد سوم سے اجرت المثل

آر و مد سے جو آر در ملک نامہ دین داد تری، حق الکمالہ درج شدہ ہاند

از سواردا خلا رفع نفی

عَرَضٌ اسْتَفَادَةٌ

تأزینی به
به شرط این به

عَرَضٌ بِإِذْنِ صَدْرِي بَابِ

عَرَضٌ مِي تَوَانَدُ دَر مَوْضِعِ كَلِمَاتِ اَعْدَامِ بِنْدِ (و كَلِمَاتِ بَدْوِ)

اِحْطَاءً عِدَّةً بِنْدِ تَدَارُ

وکالت مطلق ←

ساک بودند

در مورد موقع وکالت

اداره امور مالی

کا تقریباً

فیلیم و دیگران

معاً

آیا دلیل ی تواند مریضی و کالت را به دیری بیاورد؟

بدون اذن سوال نمی تواند

اگر اندام در مریضی و کالت را داد به کسی دلیل

اگر حنا را به سوال وارد شد ←

دلیل

کالت

مشکل
جران
منار

دلیل امرولاً حق توکیل به غیر را ندارد

که هرگز اذن بر دلیل

در کمال عام

اگر دلیل من کفایت کند به غیر دایمه باشد

① دلیل با من ترکیل ، دلیلی برای سوال اشغاب کند
سوال ~~دلیل ۱~~
دلیل ۲

دلیل دوم مستقیم به سوال وصل است
سوال است که دلیل اول را شامل شود ، دلیل ۲
سرجانی

②

دلیل با صحت دلیل و دلیل برای خود برترند

مدل — دلیل ۱ — دلیل ۲

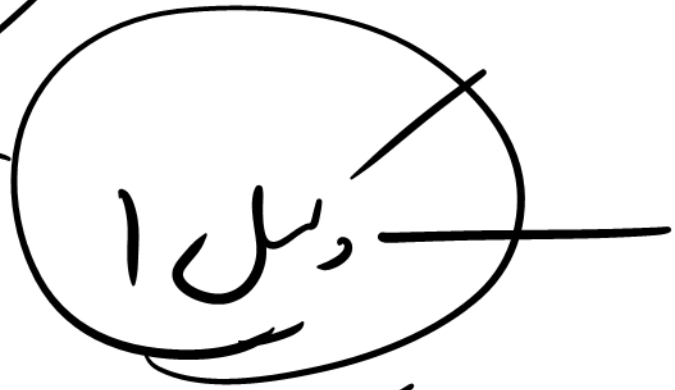
دلیل ۲ استیم به مدل وصل نیست

از سمت دلیل اول زائل شود، دلیل ۲

در سمت ندارد

② تدریس وکالت

مدلل



شیخ کماره ی سود

لای رود لشار

دلیل ۲ می‌شوند مرجای دلیل ۱

وَلَا يَصَدَّق

بِالْأَصْحَابِ



هم با اسم ائمه می نشند، در به تنهایی انجام دهد
توانن

بِالْإِسْتِقْلَالِ



هر کدام می توانند جداگانه اقدام نشند

تنقید سایر روایا
یا
تنقید فدر مبرک



عُرْنَانَهُ

بہارِ دادِ نگاہِ مہینم

کراچی سے متعلق دو نکات نامہ جڑا

استدالی

بلا صباغ
سے اصل پر اصحابی

پہلے اول

سے پہلے دوم

سے پہلے سوم

وکلایہ متعذر

وکیل هم در صدد امتیارات هم به صلح مدلل ← والّا عزیزانند

اقدام وکیل

حدود اختیارات



صلح مدلل ← مدعا صلحی اربان اجاره ندهد

